

۳ سفینه بیگانه در راه زمین

«3 سفینه که یکی از آن‌ها 240 کیلومتر قطر دارد، هم‌اکنون پشت مدار پلوتو است و تا پاییز سال آینده به مدار زمین می‌رسد». شما این مطلب را باور می‌کنید؟



171#3; سفینه که یکی از آن‌ها 240 کیلومتر قطر دارد، هم‌اکنون پشت مدار پلوتو است و تا پاییز سال آینده به مدار زمین می‌رسد». شما این مطلب را باور می‌کنید؟

ابتدا این مطلب را تمام و کمال بخوانید تا در مورد جزئیات آن بحث کنیم.

171#; مشاهده بشقاب‌پرنده‌ها (یوفو) به ویژه در اواسط قرن بیستم در نقاط مختلف جهان بارها و بارها گزارش شد، به حدی که دیگر نادیده گرفتن اشیای عجیب و غریبی که هر از چند گاهی در آسمان رویت می‌شدند، بدون این‌که هیچ توضیحی بتوان درباره ماهیت‌شان ارائه کرد، ممکن نبود. در این راستا سرویس‌های ویژه در کشورهای مختلف دنیا شروع به احداث واحدهای محرمانه و خاص برای دفاع هوایی کردند و لابراتوارهای مخفی برای تحقیق درباره این وقایع شکل گرفت. اخبار محرمانه‌ای که هرازگاهی از این لابراتوارها و مراکز تحقیقاتی سری به بیرون درز می‌کند، بیانگر آن است که دانشمندان پس از این همه سال تحقیق و بررسی موفق شده‌اند قطعاتی از سفینه‌های بیگانگان فضایی و یا حتی خود فضایی‌ها را مورد مطالعه قرار دهند. به هر حال با گذشت زمان، علم به طور قطع این مشکل را نیز از سر راه برمی‌دارد، چنان‌که برخی شواهد حاکی از آن است که در این عرصه کشفیات خارق‌العاده‌ای انجام شده است و شاهد این مدعا اخبار جنجالی و مهیجی است که به تازگی از گروه تحقیقاتی SETI;171# به بیرون درز کرده است. این گروه با عنوان SETI;171# مرکز ویژه تحقیقات و جمع‌آوری اطلاعات درباره فضایی‌ها» یک سازمان مستقل غیرتجاری است. در این اخبار چنین آمده است: SETI;171# ۳; سفینه غول‌پیکر به سمت زمین در حرکت‌اند، بزرگ‌ترین آن‌ها ۲۴۰ کیلومتر پهنا دارد و ۲ سفینه دیگر کوچک‌ترند. در حال حاضر این اشیاء فضایی خارج از مدار پلوتن هستند.

این سفینه‌ها توسط سیستم تحقیقاتی SETI;171# «هارپ» ردیابی شده‌اند. بخشی از ماموریت این سیستم که در آلاسکا واقع شده، تحقیق درباره رویدادهای فضایی و ردیابی سیگنال‌های مشکوک از اعماق فضا است. به گفته محققان مجموعه SETI، این اشیاء ویژگی‌هایی دارند که تنها می‌توان گفت سفینه‌های فضایی هستند و زمانی که به مدار مریخ برسند، به خوبی توسط تلسکوپ‌های اپتیکی قابل رویت خواهند بود. ظاهراً دولت آمریکا نیز در جریان این واقعه قرار گرفته است.

نکته دیگر این است که به گفته محققان، طبق محاسبات این سفینه‌ها دسامبر ۲۰۱۲ به زمین می‌رسند!

تاریخی که برای رویارویی احتمالی با تمدن فضایی تخمین زده شده، به نوعی با تقویم معروف و قدیمی Mayan ارتباط پیدا می‌کند چرا که این تقویم نیز ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲ خاتمه یافته است. آیا این تنها یک تصادف است؟ شاید، گرچه محققان مجموعه تلسکوپ‌های SETI نیز که ۵۰ سال است به طور دائم در حال رصد فضا برای ردیابی بیگانگان هستند، امیدوارند چنین باشد، با وجود تمامی یافته‌های به‌دست‌آمده، بسیاری محققان معتقدند ما در عرصه کشف ناشناخته‌های این جهان عظیم و کهکشانی‌ها و سیارات تنها گروهی تازه وارد محسوب می‌شویم، چرا که تمدن‌های دیگری علاوه بر تمدن ما میلیاردها سال است که در حال رصد عالم هستی‌اند.

در این رابطه شایعات و اخباری نیز منتشر شده است مبنی بر آن‌که آمریکایی‌ها بسیاری از اطلاعات را درباره یافته‌های به دست‌آمده روی سطح کره ماه در قالب اسناد محرمانه خود طبقه‌بندی کرده‌اند. یک مقام عالی‌رتبه چینی و عضو برنامه فضایی این کشور چندی پیش تصاویری را ارائه کرد که ردپاهایی را روی سطح کره ماه نشان می‌داد. این مقام عالی‌رتبه اعلام کرد که این اطلاعات را از یک منبع معتبر به دست آورده است. وی آمریکایی‌ها را به پنهان‌سازی اطلاعات و یافته‌ها در این زمینه متهم کرد. روی این عکس‌ها تاریخ ۳ آگوست ۱۹۶۹ درج شده بود یعنی ۲ هفته پس از این که آرمسترانگ و آلدین در تاریخ ۲۰ جولای ۱۹۶۹ قدم روی سطح کره ماه گذاشتند.

این شواهد نشان می‌دهد، که مواد و شواهد به دست آمده از این ماموریت توسط ناسا مورد مطالعه قرار گرفته و سپس در قالب اسناد محرمانه طبقه‌بندی شده است. نیویورک‌تایمز نیز سال گذشته یک گزارش افشاگرانه دیگر در این باره منتشر کرد. در این گزارش SETI;171# «مائو کان» یک مقام عالی‌رتبه چینی اعلام کرده بود که بیش از هزار عکس از آرشیو مخفی ناسا به دستش رسیده که نه تنها ردپاهایی را روی سطح ماه نشان می‌دهد، بلکه حتی استخوان‌های انسانی را به تصویر کشیده که برخی از اجزای آن نیز ناقص است.

در گزارش‌های ناسا در این مورد چنین آمده بود که به احتمال قوی این اسکلت‌های ناقص از یک سفینه فضایی روی سطح کره ماه انداخته شده است و شاید فضایی‌ها برخی نمونه‌های بافت‌ها را برای تحقیقات نزد خود نگه داشته‌اند. این عکس‌ها توسط یک

کاوشگر ماه گرفته شده بود و نبود هوا ضبط جزئیات دقیق از مدار ماه را امکان‌پذیر می‌کرد، به گونه‌ای که تصاویر استخوان‌ها کاملاً واضح و قابل شناسایی بود.

دکتر #171&کن جانستون»، رئیس سابق بخش کنترل دیتا و عکس‌های آزمایشگاه کره ماه ناسا، در این رابطه چنین اظهار نظر کرده است که فضانوردان آمریکایی بقایا و ویرانه‌های قدیمی را روی سطح کره ماه کشف و عکس‌برداری کرده‌اند که سرمنشاء آن‌ها طبیعی نبود و به نوعی ساخته دست یک تمدن بود. وی از توضیح بیشتر در این باره خودداری کرد.

با این تفاسیر به نظر می‌رسد فضانوردان آمریکایی مکانیسم‌های ناشناخته عظیمی را روی سطح کره ماه دیده‌اند. تمامی این اطلاعات توسط دولت آمریکا در قالب اسناد محرمانه طبقه‌بندی شده است. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا تمامی این وقایع یک حقیقت انکارناپذیر است یا تنها حدس و گمان‌های تقریبی است. برای یافتن پاسخ این پرسش باید تا دسامبر ۲۰۱۲ منتظر بمانیم.

انصافاً این مطلب مولفه‌های باورپذیر زیادی دارد: توهم توطئه، ارضای حس کنجکاوی مخاطب، پنهان‌کاری دولت‌های غربی، نام بردن از افرادی با نام دانشمند، استناد به اسناد طبقه‌بندی‌شده که دسترسی به آن‌ها برای عموم مردم ناممکن است، آخرالزمان و مواردی از این دست. بنده می‌گویم این مطلب سراسر اشتباه است. چرا؟ استدلال‌های زیر را بخوانید تا بهتر متوجه شوید.

1- یوفو یا اشیای پرنده ناشناس سالیان درازی است که توجه مردم را به خود جلب کرده است. گزارش‌های بسیاری از مشاهده اجرام پرنده ناشناس در شرایط مختلف جوی مطرح شده که در اغلب آن‌ها، فرد گزارش‌دهنده در وضعیت طبیعی قرار نداشته و شرایط جوی هم طوفانی بوده است. تاکنون بارها و بارها دانشمندان به بررسی این گزارش‌ها پرداخته‌اند و جالب این‌که برای تقریباً تمام آن‌ها توضیحی طبیعی یافته‌اند. اغلب این گزارش‌ها مربوط به پدیده‌های طبیعی متنوعی است که ماهیت کامل برخی از آن‌ها برای دانشمندان هنوز مشخص نیست؛ اما میل بشر به کشف ناشناخته‌ها بسیار قوی‌تر از آن است که توضیح پدیده‌های طبیعی را به جای موضوع شگفت‌انگیز موجودات فضایی بپذیرد. آذرگویی‌ها، صاعقه‌های توپی، روشنایی غیرمعمول سیارات در شرایط خاص نجومی، پدیده‌های جوی مانند ابرهای شب‌تاب و ... از جمله این پدیده‌های طبیعی هستند. راستی تاکنون از خود پرسیده‌اید چرا در میان این همه گزارش‌های مختلف از مشاهده یوفو، خبری از یک دانشمند یا یک فرد تحصیل‌کرده نیست؟

2- پروژه ستی (SETI) که مخفف عبارت #171&جستجوی هوشمندان فرازمینی» است، با هدف شناسایی پیام‌های رادیویی موجودات هوشمند فرازمینی فعالیت می‌کند و با استفاده از آنتن‌های رادیویی قوی از جمله تلسکوپ 350 متری آریسو که بزرگ‌ترین بشقاب رادیویی روی زمین است، در تلاش است نشانه‌هایی از پیام‌های الکترومغناطیسی ارسالی موجودات هوشمند فرازمینی را آشکار کند. با این حال هنوز هیچ نشانه‌ای از این پیام‌های احتمالی به دست نیآورده است.

3- کشف 3 سفینه فضایی در ورای مدار سیاره کوتوله پلوتو و تعیین ابعاد یکی از آن‌ها که 240 کیلومتر پهنا دارد، ادعای کوچکی نیست. برای این‌که بتوان وجود جسمی را در فضا تشخیص داد، تنها 2 راه وجود دارد، یکی شناسایی اثر گرانشی جسم مورد نظر و دیگری دریافت امواج الکترومغناطیسی از آن. سفینه‌های فضایی حتی در ابعاد 240 کیلومتر نیروی گرانشی آن‌چنانی ندارند که بتوانند روی حرکت اجسام بزرگ منظومه شمسی (سیارات، قمرهای سیارات، سیارک‌ها و برخی دنباله‌دارهای بزرگ) تأثیر بگذارند. (دقت کنید بیشتر فضای داخلی این سفینه‌ها خالی است و به همین دلیل جرم این سفینه در مقایسه با اجرام سماوی هم‌اندازه بسیار کمتر است). برای این‌که بتوان این تأثیرگذاری را تشخیص داد، می‌بایست برای دوره زمانی قابل توجهی تأثیرات گرانشی متقابل این اجسام را بررسی کرد و این درحالی است که پروژه‌های فعلی رصدی اجرام کمربند کویبی‌پر به زحمت می‌توانند اجسامی کوچک‌تر از 1000 کیلومتر را تشخیص دهند؛ چه رسد به جسمی 240 کیلومتری که خیلی سریع از کنار این اجرام عبور می‌کند. (به منطقه پشت سیاره نپتون از فاصله 30 واحد نجومی از خورشید تا فاصله 500 واحد نجومی، کمربند کویبی‌پر گفته می‌شود. هر واحد نجومی معادل فاصله متوسط زمین تا خورشید یا حدود 150 میلیون کیلومتر است)

اگر منظور خبر این باشد که این اندازه‌گیری به روشی مانند رادار یا تداخل‌سنجی انجام شده، باید گفت که اجسام موجود در این فاصله به قدری دور هستند که پرتوهای رسیده از زمین به آنها فوق‌العاده کم‌انرژی است و به همین دلیل، تاکنون کسی نتوانسته با این روش‌ها ماهیت سیارات کوتوله کمربند کویبی‌پر و دنباله‌دارهای موجود در آن را تشخیص دهد؛ سفینه فضایی که جای خود دارد.

4- پروژه هارپ، آزمایشی است برای بررسی یونوسفر زمین و متاسفانه برخی افراد، خواسته یا ناخواسته آن را به هر پدیده طبیعی و غیرطبیعی روی داده در سالیان اخیر مرتبط می‌کنند. (برای آن‌که در مورد هارپ بیشتر بدانید، اینجا را کلیک کنید). در ضمن، موقعیت پروژه هارپ برای آشکارسازی اجرامی که در صفحه دایره‌البروج حرکت می‌کنند (مانند سیارات) بسیار بد است، چرا که در آسمان آلاسکا، اجرام منظومه شمسی در ارتفاع بسیار پایینی از افق حرکت می‌کنند و این درحالی است که هارپ اصولاً برای بررسی محدوده بالای سر خود طراحی شده است.

5- اگر ابعاد این سفینه فضایی واقعاً 240 کیلومتر باشد، از حوالی مدار سیاره اورانوس نیز با تلسکوپ‌های آماتوری قابل تشخیص

است و نیازی نیست تا مدار مریخ نزدیک شود. نزدیکترین فاصله اورانوس با زمین 18.2 واحد نجومی است و نزدیکترین فاصله مریخ با زمین حدود نیم واحد نجومی!

6- این که در دسامبر 2012 چه اتفاقی خواهد افتاد، موضوعی است که خیلی در مورد آن بحث شده و فرضیه‌های متعددی از چگونگی نابودی زمین در آن مطرح شده است. واقعیت این است که در دسامبر 2012، دوره طولانی تقویم مایایی به پایان می‌رسد و تقویم جدید از نو آغاز می‌شود. لحظه‌ای که به گفته رییس مایای باستان «؛ اتفاق مهمی روی خواهد داد»، شبیه به لحظه تحویل سال در تقویم هجری شمسی است و اهمیت آن هم چیزی بیش از این نیست. متاسفانه اشتباه در ترجمه متون باستانی مایا و برداشت شخصی برخی افراد، این رویداد شناخته‌شده را به سوژه داغ فیلم‌های هالیوودی تبدیل کرده است. برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد، اینجا را کلیک کنید.

7- فرض کنید این سفینه در پشت مدار پلوتو (با فاصله 40 واحد نجومی از خورشید) وجود دارد و می‌خواهد تا دسامبر 2012 یعنی 19 ماه دیگر به زمین برسد. برای این که سرعت زیاد این جسم را درک کنید، به مدار دنباله‌دار هالی دقت کنید. دنباله‌دار هالی هر 76 سال یک‌بار به دور خورشید می‌گردد. در نزدیکترین فاصله، این دنباله‌دار به 0.6 واحد نجومی از خورشید می‌رسد و در دورترین فاصله به 35 واحد نجومی از خورشید. 35 واحد نجومی جایی بین مدار نپتون و پلوتو است. برای آن که دنباله‌دار هالی از دورترین فاصله مداری به نزدیکی مدار زمین برسد، 38 سال یا 456 ماه زمان نیاز دارد.

این درحالی است که سفینه موردنظر 19 ماهه مسافت بیشتری را طی می‌کند و بنابراین سرعت متوسط آن حداقل 24 برابر سرعت دنباله‌دار هالی است. اگر مسیر حرکت سفینه را خطی مستقیم فرض کنیم، سرعت متوسط آن برای رسیدن به زمین 430 هزار کیلومتر بر ساعت یا 119 کیلومتر بر ثانیه است، با این سرعت می‌توان در کمتر از 1 ساعت از زمین به ماه رسید! (توجه داشته باشید که مسیر حرکت این فضاپیما تحت تاثیر گرانش خورشید یک منحنی است و بنابراین، مقدار سرعت متوسط بیشتر از این مقدار خواهد بود و سرعت لحظه‌ای در زمان رسیدن فضاپیما به مدار زمین حدود 130 کیلومتر بر ثانیه است. با این حال فرض می‌کنیم بیشترین سرعت فضاپیما همان 119 کیلومتر بر ثانیه باشد). برای مقایسه، جالب است بدانید سریع‌ترین ابزاری که انسان تاکنون روانه فضا کرده، فضاپیمای ویجر 1 است که پس از 33.5 سال سفر میان‌سیاره‌ای و کمک از جاذبه سیارات برای افزایش سرعت، هم‌اکنون به فاصله 117 واحد نجومی از خورشید رسیده و با سرعت 3.6 واحد نجومی بر سال (17 کیلومتر بر ثانیه) از خورشید دور می‌شود.

ممکن است بگویید فضایی‌هایی که توانسته‌اند فضاپیمایی به قطر 240 کیلومتر بسازند، حتماً به فناوری دستیابی به سرعت‌های بسیار زیاد هم رسیده‌اند. بیایید حساب کنیم این فضایی‌ها چند وقت است که در راه هستند. نزدیک‌ترین منظومه ستاره‌ای به زمین، منظومه آلفا-قنطورس در صورت‌فلکی قنطورس است و نزدیک‌ترین ستاره این منظومه به خورشید، ستاره پروکسیما-قنطورس که 4.2 سال نوری (40 هزار میلیارد کیلومتر) با زمین فاصله دارد. اگر این فضاپیما از این منظومه به راه افتاده باشد و سرعتش هم در تمام طول مسیر ثابت مانده باشد، آن‌گاه 335 میلیارد و 300 میلیون ثانیه در راه بوده تا به زمین برسد، این مقدار یعنی 10600 سال؛ به عبارت دیگر، آن‌ها حدود 11 هزار سال پیش از منظومه آلفا قنطورس به راه افتاده‌اند تا 19 ماه دیگر به زمین برسند. تازه این در شرایطی است که فرض نکنیم آن‌ها در حال گشت‌وگذار در فضای میان‌ستاره‌ای بوده‌اند تا به اینجا برسند. منظومه‌های ستاره‌ای دورتر هم که جای خود دارند.

8- متاسفانه خیلی از افراد این دو موضوع را با هم اشتباه می‌گیرند، اول این که آیا غیر از زمین، در جای دیگری در جهان حیات وجود دارد و دوم، این که آیا یوفوها مربوط به همان موجودات فرازمینی هستند که به زمین سرک می‌کشند. پاسخ سوال اول بسیار روشن است: تعداد ستارگان موجود در کهکشان راه‌شیری چیزی حدود 200 میلیارد عدد است که حداقل نیمی از آن‌ها دارای منظومه‌های سیاره‌ای هستند. این‌ها غیر از مقدار تخمینی 400 میلیارد سیاره دیگری است که دانشمندان به تازگی کشف کرده‌اند در فضای میان‌ستاره‌ای سرگردانند. کهکشان راه‌شیری هم یکی از چند صد میلیارد کهکشانی است که تخمین زده می‌شود در عالم قابل مشاهده وجود داشته باشد. بنابراین هر قدر احتمال وجود حیات را اندک در نظر بگیریم، باز هم تعداد قابل توجهی سیاره نامزد وجود حیات فقط در کهکشان خودمان وجود خواهد داشت. دیگر کهکشان‌ها که جای خود دارند.

از سوی دیگر، اگر معادله مشهور فرانک درک را حل کنید، می‌بینید که در حال حاضر حدود 50 تمدن فرازمینی در پهنه کهکشان راه‌شیری وجود دارد که به سطحی از تمدن دست یافته که می‌توان با آن‌ها ارتباط برقرار کرد. برای کسب اطلاعات بیشتر، اینجا را کلیک کنید.

اما پاسخ به این سوال که آیا این موجودات در گذشته با زمینی‌ها ارتباط برقرار کرده‌اند یا گزارش‌های رسیده در مورد یوفوها مرتبط با این موجودات است، بسیار دشوار است. از عمر عالم 13 میلیارد و 750 میلیون سال می‌گذرد. کهکشان ما، راه‌شیری حدود 12 میلیارد و 700 میلیون سال عمر دارد. سن خورشید، ستاره و تنها منبع انرژی منظومه شمسی به 5 میلیارد سال رسیده و از تشکیل سیاره زمین بیش از 4.5 میلیارد سال می‌گذرد. نخستین گونه‌های حیات 4 میلیارد سال پیش روی زمین پدیدار شدند و در طول این زمان بسیار طولانی، حیات روی زمین چندین و چند بار تا مرز انقراض کامل پیش رفته است. با این حال، انسان به عنوان پیشرفته‌ترین موجود زنده روی زمین فقط 100 سال است که آن قدر پیشرفت کرده که بتواند دنیای اطراف خود را بهتر بشناسد و با فضاهای دوردست ارتباط برقرار کند. اگر همین حساب و کتاب را برای دیگر اجرام موجود در عالم و منظومه‌های ستاره‌ای دور و نزدیک انجام دهید، می‌بینید که ممکن است تمدن‌های فرازمینی فراوانی در گذشته پدید آمده و هم‌اکنون نابود شده باشند. اما این ایده که موجودات

فراززمینی پیشرفته و توانمندی که توانسته‌اند ابزاری برای سفر در فواصل کیهانی اختراع کنند و چنین زحمتی را تحمل کرده‌اند تا به زمین برسند، صرفاً با زمینی‌ها قایم‌باشک بازی می‌کنند و آن‌ها را سرکار می‌گذارند، خیلی با عقل جور در نمی‌آید!

9- در مورد برنامه آپولو و برنامه‌های سفر به ماه که اطلاعات تاریخی بسیار زیادی وجود دارد که برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به آنها مراجعه کنید. اما در مورد ادعای تصاویر ارسالی از وجود استخوان بر سطح ماه، آن‌هایی که با نورشناسی آشنایی دارند، می‌دانند برای آن‌که ماهواره‌ای از ارتفاع 100 کیلومتری سطح ماه بخواهد چیزی مثل یک استخوان را با وضوح کامل در سطح ماه تشخیص دهد، می‌بایست حداقل بتواند جسمی به ابعاد 1 سانتی‌متر را تفکیک کند (یعنی کوچک‌ترین نقطه تصویر متناظر با مربعی به ضلع 1 سانتی‌متر باشد) و برای چنین تفکیکی به تلسکوپی با گشودگی 6.7 متر نیاز داریم. این درحالی است که تلسکوپ فضایی هابل که در سال 1990 / 1369 در مدار زمین قرار گرفته، آینه‌ای به قطر 2.4 متر دارد و تلسکوپ فضایی جیمزوب که قرار است سال 2013 / 1392 به فضا پرتاب شود از آینه‌ای 6.5 متری بهره‌مند خواهد شد. وجود دوربینی به گشودگی چند متر سوار بر فضاپیمایی روباتیک، آن‌هم چهل و چند سال پیش، چیزی است که از توان بشر آن روز خارج بود. حتی ماهواره‌های زمینی هم از وجود چنین دوربینی بی‌بهره‌اند! برای آن‌که ببینید دوربین‌های ماهواره‌های فعلی چه جزئیاتی را می‌توانند در سطح ماه تشخیص دهند، هنوز فکر می‌کنید این 3 سفینه فضایی وجود دارند و تا 19 ماه دیگر به زمین می‌رسند؟ نظرات خود را برای بنده بفرستید تا در مورد آنها بحث کنیم. کسی چه می‌داند، شاید شما توانستید بنده را قانع کنید!